

چه خوب است از طرف حکومت فواید مبارزه با آمریکا ارایه گردند!

می دانیم که شاخص جوهری در علم مدیریت، نتیجه گیری سودمند و اثربخش می باشد و اصلی ترین مولفه در هویت مدیریت گرایی، حصول به نتیجه سودمند در راستای اهداف است. البته مفهوم مدیریت گرایی با رویکرد نتیجه گرایی اثربخش و مفید، راهبردی برگرفته از فضای مدرنیته در عصر معاصر می باشد که با تلفیقی با نگاه عمل گرایانه و دکترین پراکتیک اجتماعی، معنایی ژرف و بالنده را به علم مدیریت نوین و مدرن وارد نموده است. نگرشی که عمل گرایی سودمند را تجلی گر مدیریت عقلایی و هوشمندانه شمرده و غایت شناسی را به مفهوم اصیل مدیریت وارد نموده است. مفهومی که کارآمدی مدیریت واقعی را در حصول به دستاوردها و بهره‌وری مناسب و مثبت متبلور می گرداند و عدم دستیابی به نتایج مطلوب در شیوه‌های اداره کنندگی را رهاوردی پوچ و موهوم منظور می نماید. پس منظور کلی اینست که چنانچه هر تفکر و هر عملی، دستاوردی مطلوب و بدربخور نداشته باشد، پس بدون شک بیهوده و باطل تلقی می شود. و چنین است که برآورد برآیندی هر تفکر و عمل انسانی دقیقا در پیوستار نرخ نتایج سنجه می گردد و نتیجه گیری سودمند، عملا بازگردان نظر و عمل درست یا نادرست می باشند. نتایج سودمند و مفید، حاصلگرد تفکر و باور درست و در تناسبی برعکس، نتایج غیرسودمند و زیانبار دقیقا حاصل جمع نظر و عمل نادرست بشمار می آیند. این تناسب اصلی کلی و جامع در مهندسی مدیریت تصور می شود و ناکارآمدی مدیریتی را در عدم نتیجه گیری سودمند قلمداد می کند. این معیار در مهندسی مدیریت اجتماعی نیز مبنایی اساسی شمرده می گردد. بدان صورت که برآیند و فرجام هر نوع رفتار و برنامه حکومتی نیز باید در نرخ نتایج سودمند و ثمربخش اجتماعی - سرزمینی تعیین گردند. چه در غیراینصورت و عدم حصول نتایج مفید و ارزشمند اجتماعی (برای همه مردم) آن برنامه و راهبرد حکومتی را نمی توان خرد گرایانه و اثربخش نامید.

واقف می باشیم که مبارزه گری با کشورهای استعمارگر و دشمن پروری، اصولی پراهمیت و نهادینه در دکترین حکومتی ایران در حداقل چهل ساله اخیر می باشند و نظام کنونی در ایران پیوسته براین امر کوشا بوده که دشمنان را عامل مصایب و مشکلات خود عنوان کند و مبارزه با بیگانگان دشمن را اصلی تغییرناپذیر مطرح نماید. بدینسان بوده که آمریکا و اسراییل در راس مبارزه و بریتانیا، فرانسه، عربستان و و در مرتبه های بعدی قرار داشته‌اند. لذا می بینیم که نظام حکومتی فعلی، مداوما مترصد مبارزه با دشمنان و عوامل بیگانه در کشور می باشد و متاسفانه منابع مالی - فیزیکی بسیار زیادی را نیز در این راه هزینه نموده است. اما آنچه مهم می باشد اینست که با گذشت سالیان طولانی از مبارزات ضدآمریکایی و ضداستعماری، نتایج و حاصلگرد این مبارزات را به منصفه تجزیه و تحلیل بسپاریم. و به واقع اگر نتایج مبارزه با آمریکا مطلوب بوده و این مبارزات نتیجه بخش بوده، پس باید بتوانیم

پیامدهای اثربخش و سودمندی اجتماعی آن را در عرصه زندگی مردم درک کنیم. یعنی باید بفهمیم که مهندسی مبارزه و جنگاوری با استعمارگران در حوزه سرزمینی و جامعه ایران نتایج مفیدی را به همراه داشته و این مبارزات اثربخش بوده‌اند. ولی علیرغم حاکمیت کلی این نگرش بر ایران، اگر جامعه ایران در حداقل زمان دو قرن اخیر را در بوته تجزیه تحلیل قرار دهیم، مسلماً بدرستی پیامدهای عینی و دستاوردهای واقعی مبارزات اجتماعی ایران علیه استعمارگران غربی و به ویژه امپریالیسم زمانه یعنی ایالات متحده آمریکا را خواهیم یافت.

سرزمین ایران که یدطولایی در جنگاوری و سلحشوری با دشمنان ریز و درشت و مختلف داشته، امروز مطلقاً در وضعیت خوبی قرار ندارد. امروز علیرغم انباشتگی مبارزات ضداستعماری و ضدیت چهل ساله با آمریکا، ایران زمین در بدترین حالت و وضعیت اجتماعی و در نابجاسترین موقعیت جهانی قرار دارد. یعنی با آنکه ایران زمین پیوسته ملامال از مبارزات ضداستعماری بوده و مبارزین دلاور زیادی را پرورش داده، اما نمود اینهمه تضاد و تعارض با نمادهای استعماری و امپریالیستی در دنیا، چیزی جز فاصله از دنیای مدرنیته نبوده و ایران امروز مطلقاً روزگار خوشی ندارد. بنابراین نتیجه می‌گیرم که اگر قرار می‌بود این هیمنه مبارزات ضدستمگری و این همه دلاوری سرزمینی در ایران، بازخور مثبت و اثربخشی می‌داشت. پس بیگمان می‌بایستی ایران امروز در بهترین موقعیت جهانی و در والاترین سطح بین‌المللی قرار می‌داشت. یعنی مطمئناً ایران زمین در این عصر مبدا تولید تکنولوژی تجهیزات، سازنده تجهیزات صنعتی، فرهنگ زیستی بالنده و پیشرو و در یک کلام مهندسی زندگی مدرن و بی‌بدیل در جهان می‌بود. اما به واقع امروز چه داریم و در کجا قرار داریم؟! آیا غیر از اینست که از یک جامعه ورشکسته در همه ابعاد برخورداریم؟! آیا غیر از اینست که واقعا و در اصل موضوع و در عینیت اجتماعی اصلاً شاهد جهش و شوکت ایران و ایرانی نیستیم و مبارزات ضداستعماری با غرب و مبارزه اخص با آمریکا نتایج معکوس بار داشته و مردم ایران امروزین در محنت و رنج بسر می‌برند. و تاسف بیشتر آنکه با وجود این همه مبارزات دلیرمردانه و رشادت مبارزین مختلف در عرصه اجتماعی، هیچ نتیجه مثبت و مفیدی عاید و نصیب این مردم و این کشور نشده است. اگر چنین نیست، پس علت اینهمه رکود همه جانبه در ایران در چیست؟! آیا بررسی نرخ خطای فرهنگی - اجتماعی و دستیابی به وضعیت نابسامان و نابهنجار ایران امروزین، نشانگر خطای نگرش مبارزه‌گری و افکار و باورهای تخریب‌گری نیست؟! و اگر بپذیریم که تفکر ملی هر جامعه دقیقاً سازنده نوع و کیفیت همان جامعه است. پس چرا قبول نمی‌کنیم که تفکر مبارزه‌گری با وجود نرخ فاحش در خطاهای استراتژیک، یقیناً و طبیعتاً شکست خورده می‌باشد؟! و آیا غیر از اینست که تفکر انعطاف و سازندگی آفریننده غرب بوده و تفکر مبارزه‌گری و تخریب موجد خاورمیانه بوده است؟!!